

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: "آفتاب زندگی"

نسرین دانش

۲۷ اگست ۲۰۱۲

نکاتی چند در مورد تریبونال لندن و طرفداران دو آتشه آن



نسرین دانش: با تشکیل "تریبونال لندن" بار دیگر نظرات سیاسی که برخاسته از خاستگاه طبقاتی و یا تأثیر پذیرفته از دیدگاه های رایج بورژوائی است در مقابل هم به رد و یا دفاع از این دادگاه برآمدند. پرداختن به این مسأله نه به دلیل اهمیت وجودی این دادگاه بلکه به دلیل روشن کردن رفرمیسم حاکم ...

بر جنبش کارگری حائز اهمیت است. اهمیت بیشتر این قضیه از انجائیسیت که به خصوص در سالهای اخیر با تشدید بحران سرمایه داری از سوئی، کارگران و اقشار کم درآمد انچنان تحت فشار استثمار و سرکوب قرار گرفته اند که به دو راهی مرگ (خودکشی و یا مرگ تدریجی) و یا مبارزه با سرمایه داری سوق داده شده اند و از سوئی دیگر بورژوازی به مبارزه حاد و علنی در مقابل آنها اقدام نموده است.

در این کشاکش بورژوازی که خود می داند حملات وحشیانه اش بدون جواب نمی ماند تلاش دارد که این مبارزات را با الترناتیوهای رنگارنگ و تشکیل صندوقهای ویژه حمایتی- مالی به انحراف و تحت تسلط خود بکشد. در سالهای اخیر ما شاهد تشدید مبارزات وسیعی از کارگران و دیگر اقشار مورد ستم در کشورهای خاورمیانه و افریقا و ایران در مقابل رژیم های مستبد سرمایه بودیم. در آنجا هم سرمایه داری جهانی با مداخلات "کوچک بی گناه بشردوستانه" مثل چیزی شبیه "تریبونال لندن" و یا خدمات "بزرگ حقوق بشری" مثل دخالت نظامی ناتو با هدف "انساندوستانه" بخوان انسان بورژوازی حضور پیدا کرد.

امروزه نتیجه این همه طرفداری از اقدامات حقوق بشری، در این کشورها برای کسانی که نمی خواهند مردم را در راستای منافع بورژوازی جهانی و داخلی مجهز کنند قابل رویت است.

این طرفداران نهادهای شناخته شده حقوق بشری اعم از آنهایی که در جنبش کارگری فعال هستند و به دنبال یک "دمکراسی بورژوائی" و "جامعه مدنی" هستند و یا آنهایی که علنا برای رسیدن به قدرت بورژوائی دست به هر

کاری می‌زنند (مثل سازمان مجاهدین خلق ایران) هیچ اعتقادی به نیروی مبارزاتی و خلاق طبقه کارگر و یا اصلاً به وجود این طبقه ندارند.

چرا که ارمان آنها چیزی بیشتر از این دموکراسی بورژوازی نیست. آنها سالهای سال است که امید از مبارزه طبقه کارگر بریده‌اند و با مرحله مرحله کردن "انقلاب" با پوششهای مزورانه سعی در بزک دوزک کردن سیستم سرمایه داری دارند.

برای همین است که امثال آذر ماجدی در رابطه با سپردن دادگاههای انقلابی به دست یک عده نمایندگان بورژوازی می‌گوید: "متأسفانه دینا تغییر کرده است و ما دیگر در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی نیستیم که عمده روشنفکران تمایلات چپ و ضد امپریالیستی داشتند. دنیا تغییر کرده است و راسل‌ها و ژان پل ساتر‌ها نیز اگر زنده بودند به احتمال زیاد مواضع دیگری اتخاذ می‌کردند. در قرن بیست و یک، در دنیای پس از یازده سپتمبر، در دنیایی که جنگ تروریست‌ها آن را به خاک و خون می‌کشد، در دنیایی که دو قطبی تروریسم دولتی و اسلامی در مقابل هم صف آرائی کرده‌اند، چگونه می‌توان یک دادگاه مردمی از نوع دادگاه راسل سازمان داد؟ باید به این سؤال پاسخ گفت. ما چه خواهیم و چه نخواهیم خانواده‌های جان باختگان و زندانیان سیاسی سابق به تنهایی قادر به تشکیل چنین دادگاهی نیستند. باید از وکلا و حقوقدانانی که تحت همین سیستم‌ها دانش آموخته‌اند و حرفه‌ئی شده‌اند استفاده کرد. اگر قرار است که این دادگاه نمادین تأثیری داشته باشد باید از این امکانات موجود بهره جست. تنها راه حفظ سلامت سیاسی - اخلاقی کامل این تریبونال شفافیت است. باید کارکرد و پروسه‌های تحقیق و رأی دادن باز، علنی و شفاف باشد. این تنها راه ضمانت تشکیل یک دادگاه واقعاً مردمی است. در این دادگاه اول نقش خانواده‌های جان باختگان و زندانیان سیاسی سابق در شکل‌گیری و پیشرفت دادگاه کاملاً روشن است."

او در حالی که پیشرفت جنبش جهانی کارگری و بالا رفتن سطح کلکتیو آگاهی کارگری را در مقایسه با سالهای ۶۰ و ۷۰ نادیده می‌گیرد و همچنان چشم بر اقدامات شجاعانه مردمی (گرچه این اقدامات به دلیل عدم آمادگی طبقه به بیراه کشیده شد) که در سال‌های اخیر به خصوص در افریقای شمالی و خاورمیانه در مقابل بحران سرمایه داری به میدان آمدند و به تشکیل کمیته‌های محلی و کارگری پرداختند، می‌بندد. او مثل همیشه برای گیج کردن و ناتوان جلوه دادن نیروی مبارزاتی و توانایی درک طبقه کارگر از شرایط ویژه مقابله "دو قطب تروریسم دولتی و اسلامی" که گویی چیزی غیر قابل درک و جدا از استثمار و سرکوبهای سرمایه داری است سخن می‌گوید و آن را به همان "تروریستهای دولتی و اسلامی" می‌سپرد. خانم ماجدی می‌گوید برای تشکیل "دادگاه‌های مردمی" حتی به قیاس راسلی آن "ما چه خواهیم و چه نخواهیم خانواده‌های جان باختگان و زندانیان سیاسی سابق به تنهایی قادر به تشکیل چنین دادگاهی نیستند"

این ایده که وکلاء و حقوق دانان و روشنفکران چون درس خوانده‌اند درک بالایی از انجام کارهایی که مربوط به مبارزه مردم است دارند ایده جدیدی در جنبش کارگری نیست. و این اولین بار نیست که آذر ماجدی‌ها عدم اعتقاد خود را به نیروی مبارزاتی طبقه کارگر نشان می‌دهند. آنها با تشکیل احزاب روشنفکران‌شان و با چشم دوختن به یک "جامعه مدنی" برای تربیت طبقه کارگر "ناتوان" بارها این ایده را رواج داده‌اند. اما او این نکته را درست می‌گوید که مردم "قادر به تشکیل این چنین دادگاهی نیستند" چون این دادگاه مثل همه نهادهای دیگر بورژوازی آنقدر پیچیده و مسائل پشت پرده دارد که برای تشکیل آن هم به همین وکلای درس خوانده و وابسته به بورژوازی احتیاج است.

سؤال این است پس چگونه این "مردم نادان" توانائی تشخیص این را دارند که وکلائی برای خود انتخاب کنند که از مبارزات آنها علیه رژیم مستبد سرمایه داری ایران دفاع کند؟

جواب شما در اهداف شما پیدا است یک دادگاه بورژوائی با هدف دموکراسی بورژوائی و با وکلای بورژوائی که در رأس توده های مردم قرار دارد نیاز به قدرت آگاهی و تشخیص مردم ندارد

نیروهای کمونیست که آگاه ترین بخش طبقه کارگر هستند در رأس طبقه قرار نگرفته اند آنها نیروی خود را از حرکت دستجمعی طبقه و همراه با او می گیرند. آنها جدا از طبقه نیستند و از حرکت سیاسی و افشاگرانه برای سرعت بخشیدن مبارزات شورائی کارگران و به دست گرفتن قدرت کارگری استفاده می کنند. به همین دلیل با هرگونه سپردن مبارزه خود به دلالت سرمایه داری شدیداً خوداری می کنند.

برای آذر ماجدی و عده دیگر از معترضان مسأله عدم وابستگی این دادگاه به امپریالیستها و شفافیت مالی مطرح است.

صرف نظر از این که این حقوق دانان برگزارکننده و تشکیل دهنده خود به ارگانهای سرکوب گر بورژوازی وابسته هستند و به همین دلیل نمی توانند اهداف معینی را که جز ادامه همان ستراتیژی همیشگی بورژوازی است دنبال کنند، مسأله مالی می تواند وابستگی نداشته باشد و باز هم با جیب مردم صورت بگیرد. پس به دنبال کدام "شفافیت" می گردید.

ایا شفافیت مالی علی رغم هر هدفی که این دادگاه دارد برای شما کافی است. آیا قدرت های امپریالیستی که در تمام این کشتارها رژیم های سرمایه داری از جمله رژیم سرمایه داری ایران را پشتیبانی می کردند و اکنون با حربه حقوق بشری برای انحراف این مبارزات آمده اند نمی تواند دلیلی برای عدم "شفافیت" آن باشد.

ایا کسانی چون ایرج مصداقی و اخوان که از تحریم های اقتصادی علیه مردم ایران دفاع می کنند و حتی تا جایی می روند که بیشرمانه از حملات نظامی هم علیه کارگران و زحمتکشان دفاع می کنند آیا این شفافیت مورد نظر شما را خدشه دار نمی کند؟

ایا فراموش کردید که به دلیل همین تحریم ها چه بر سر مردم عراق و به خصوص کودکان آن آمد که به دلیل همین تحریمها سر بر بالین مرگ گذاشتند و چه فجایع و شرایط غیر انسانی نه تنها برای آنها بلکه برای مردم افغانستان، لیبیا، سودان و هم اکنون برای سوریه و... به ارمغان آورد

ایا فراموش کردید که این همه تحت عنوان "کمک های انسان دوستانه" و برای "دموکراسی" صورت گرفت
ایا این همه برای شما غیر شفاف است که برای فریب مردم به دنبال شفافیت مالی میگردید. این عدم شفافیتی که شما میجوئید در خود شما است و آنهاهم رفرمیستی است که سالهای سال درون جنبش کارگری برای گنجی و ناتوان کردن مبارزات طبقه رواج میدهد.

تنها سلاح طبقه کارگر در دفاع از خود و فرزندانش در مقابل ددمنشی های سرمایه داری مبارزه اش می باشد، و راه حل او یک جامعه نوین است. مطمئن باشید آنگاه که کارگران به مثابه یک طبقه آگاه شوراهاى خود را برای مقابله قطعی با بورژوازی تشکیل دهند دادخواهی خود را با قطع کردن دست کتیف بورژوازی از جان و مال مردم و دنبالچه های آنها که سالهای سال است به برده بودن آنها کمک کرده اند مبادرت خواهد کرد.

نسرین دانش- ۲۱ اگست